

پذیرفته شد، هرچند طی سال‌ها به جز امضای کنوانسیون ۱۸۹۹ میلادی توسط مظفرالدین شاه و شرکت عبدالصمد ممتازالسلطنه در کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در ۱۹۰۶ (۱۲۸۴ ه.ش) و دریافت موافقت کنفرانس در پذیرش نشان هلال‌احمر و شیر و خورشید سرخ به عنوان نشان رسمی برای کشورهای مسلمان و دولت ایران برای جمعیت خود، هیچ اقدام جدی امدادی صورت نگرفت. در این مقاله به بررسی دوران دوم فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر (شیر و خورشید سرخ) تحت عنوان از «تشکیل تا تثبیت» می‌پردازیم.

کلمات کلیدی: جمعیت هلال‌احمر، امیر اعلم، زلزله تربت، اساسنامه جمعیت.

یک قرن نوع دوستی (۲): جمعیت هلال‌احمر از تشکیل تا تثبیت: پژوهشی تاریخی

نواب شمس‌پور^۱، محمدرضا هاشمی‌نیا^۲

۱. پژوهشگر، جمعیت هلال‌احمر، تهران.

Email:shamspour@gmail.com

۲. پژوهشگر، جمعیت هلال‌احمر، تهران.

دریافت: ۹۲/۱۲/۱ پذیرش: ۹۳/۱/۲۵

چکیده

مقدمه: در مقاله پیشین با عنوان «کسب نشان هلال‌احمر» توسط ایرانیان خواندیم که اولین بار در ۱۸۷۴ میلادی در زمان ناصرالدین شاه کنوانسیون مصوب ۱۸۶۴ ژنو از سوی ایران

مقدمه

در خلال جنگ‌های داخلی بین استبدادطلبان و مشروطه‌خواهان، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطیت در ۱۲۸۶ هجری شمسی، برای نخستین بار با نمونه‌ای از فعالیت‌های جمعیت شیر و خورشید سرخ روبه‌رو می‌شویم، این تلاش‌ها با حمایت اداره صحیه نظام و به همت دکتر امیر اعلم صورت می‌گیرد. در ابتدا تعدادی از دیپلمه‌های پزشک فارغ التحصیل دارالفنون، پس از گذراندن آزمون‌های لازم استخدام شدند و سپس با ایجاد مریض‌خانه‌های سیار متعدد آنان را به اردوگاه‌های مختلف جنگ روانه می‌کردند، ظاهراً این جمعیت در جریان جنگ‌های مختلفی از قبیل قراچه داغ، اطراف تهران، همدان و کرمانشاه حضور یافتند و علاوه بر کمک به مجروحان جنگی، در جلوگیری از امراض مسری نیز کمک شایانی کردند. حتی دو تن از اطباء جمعیت، یکی در همدان و دیگری در شاهرود در حین انجام وظیفه کشته شدند. با سقوط محمدعلی شاه و پیروزی مشروطه‌خواهان، موقتاً کار جمعیت شیر و خورشید به دلیل کمبود امکانات معطل ماند، اما این جمعیت کماکان به حیات درونی و بیرونی خود ادامه داد.

در ۱۲۹۲ دکتر امیر اعلم، سرهنگ دکتر غلامحسین خان را به عنوان نماینده ایران در کنفرانس بلژیک معرفی کرد که درباره مریض‌خانه‌های سیار زمان جنگ بود و درخواست کرد تا معادل ۲۵۰ تومان برای هزینه اعزام وی تخصیص داده شود که با مخالفت خزانه‌دار کل آن زمان مواجه شد. دکتر امیر اعلم در نامه‌ای به وزارت مالیه با تأکید بر خدمات

این جمعیت در طول دوران مشروطه علی‌رغم نبود امکانات، به تأثیرات سیاسی این کنفرانس اشاره می‌کند و می‌نویسد: به عقیده این چاکر، این مسئله راجع به مناسبات سیاسی خارجی دولت علیه است... و عدم تصویب بودجه توسط خزانه‌دار کل را مخالف شئونات سیاسی دولت می‌داند که با این توضیحات با حضور سرهنگ دکتر غلامحسین خان در این کنفرانس موافقت می‌گردد. در مقررۀ ۵۲۷۲۸ در تاریخ ۱۲۹۲۹/۵/۳ آمده است: «هیئت وزرا در جلسه ۲۱ شعبان ۱۳۳۱ تصویب کردند که مبلغ ۲۵۰ تومان جهت مخارج مسافرت آقای دکتر غلام حسین خان سرهنگ [سرهنگ] که از طرف دولت علیه ایران بسمت نمایندگی [نماینده‌گی] برای حضور در کنکرۀ [کنگره] بین‌المللی صلیب احمر در بلژیک منعقد خواهد شد معین شد، داده شود».

با جدیت دکتر امیر اعلم رئیس صحیه قشون، بیمارستان‌های سیاری تحت لوای شیر و خورشید سرخ در جنگ‌های مختلف پس از انقلاب مشروطه خدماتی به مجروحان جنگی ارائه می‌داد. این رویه کم و بیش ادامه داشت تا زمانی که موضوع مهاجرت دولت پیش آمد. پس از خروج عده زیادی از دولتمردان و اعضای مجلس از تهران که نهایتاً موجب تشکیل کابینه دولت مهاجرت در کرمانشاه شد باز هم فعالیت‌های انجمن شیر و خورشید سرخ به حالت تعطیل در آمد. اگرچه باز در اشکال دیگری این جمعیت به حیات خود ادامه داد.

در همین سال‌ها (بین ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۳)، گروهی از ایرانیان مقیم هند، با تشکیل انجمنی به نام هلال احمر ایران، کمک‌های نقدی را برای ارسال به ایران جمع

می‌کردند که هیچ ارتباطی با جمعیت شیر و خورشید سرخ نداشت. در ۱۳۸۹ تجار ایرانی مقیم هند، انجمنی به اسم هلال‌احمر ایران به ریاست آقا محمد خلیل تاجر شیرازی تشکیل دادند و با افتتاح دفتری در کلکته، به جمع‌آوری اعانه برای جنگ‌زدگان ایرانی به خصوص آذربایجانی‌هایی اقدام کردند که گرفتار مصائب ناشی از تجاوزات دولت روسیه بودند. آنان تصمیم گرفتند که کمک‌های خود را تحویل رئیس مجلس شورای ملی، مؤتمن الملک و مشیرالدوله دهند تا به مصارف انسان‌دوستانه برسانند. در اولین جمع‌آوری اعانه، ۶۲ ایرانی، جمعاً مبلغ ۱۲۰۵۲ روپیه به انجمن هلال‌احمر ایران اهدا کردند، فعالیت این انجمن فقط منحصر به جمع‌آوری اعانه بود.

در خلال جنگ جهانی اول و در پی تأثیرات آن بر اوضاع داخلی ایران و همچنین سازمان‌دهی تشکیلاتی با عنوان کمیته دفاع ملی در ۱۲۹۳ از سوی چند تن از رجال سیاسی از جمله سیدحسن مدرس، میرزا محمدصادق طباطبایی، سلیمان میرزا اسکندری نظام‌السلطان، جمعیتی با نام خورشید سرخ برای کمک به مجروحان و بیماران تشکیل شد، که در برخی کتب نیز شیر و خورشید سرخ عنوان شده، که اساسنامه‌ای نیز داشت و می‌توان آن را نخستین اساسنامه تشکیلات شیر و خورشید سرخ در ایران به شمار آورد. در اساسنامه خورشید سرخ اقدام پیش‌بینی شده‌ای مانند اهداف جمعیت شیر و خورشید سرخ مطرح شده بود. در اساسنامه این جمعیت که ۲۱ آذر ۱۲۹۴ به تصویب هیأت مدیره کمیته دفاع ملی رسیده بود، ارتباط با اداره صحیه

دولتی، همچنین صلیب‌احمر و هلال‌احمر، موافق قرارداد دنیا از اهداف خورشید سرخ بر شمرده شد. اهداف عملیاتی پیش‌بینی شده‌ای همانند اهداف جمعیت شیر و خورشید سرخ مطرح شده بود: «حفظ صحت و عافیت اردوهای ملی و جنگجویان ایرانی فرض و متحتم است و ملت می‌تواند از این راه جزیی تظاهری از سپاسگزاری خود کرده و به قدر امکان جان عزیز جوانان خود را در این میدان جانبازی حفظ نماید، باید به یک ترتیب منظمی وسایل صحیه و مریض‌خانه‌های ثابت و سیار برای اردوهای ملی بنماید».

این تشکیلات بیمارستان‌های کوچکی برای درمان مجروحان ایرانی و تبعه عثمانی، در کاظمین و کرمانشاه بر پا کرد. در کتاب خاطرات من یا روشن‌شدن تاریخ صدساله از فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی سید حسن مدرس، به طور مشخص از حضور وی در هیأت مدیره سازمان شیر و خورشید سرخ ایران یاد می‌شود. همچنین در کتاب رنج رایگان دکتر خطیبی، از اختصاص درآمد نمایندگی شهید مدرس به ساخت بیمارستان فیروزآبادی سخن می‌رود.

در خبری در نشریه کاوه در آن سال‌ها آمده است که «سردار اسعد بختیاری انجمنی به نام خورشید سرخ برای اداره تکلیف و کارهایی که در فرنگ «چلیپای سرخ» و در عثمانی هلال‌سرخ متعهد شده تشکیل داده است که در جنگ ایرانیان با دشمنان به پرستاری مجروحان و صدمه‌دیده‌ها مواظبت نماید، این خبر اگر صحیح باشد مایه خوش و امتنان است چه این کار یکی از اهم لوازم پیشرفت کار جنگ

است. بعضی از اطباء بزرگ آلمان نیز به واسطهٔ این خبر منتشر شده به خیال افتادند تا هیأتی از اطباء و زنان پرستار تشکیل داده به ایران بفرستند تا به هیأت خورشید سرخ کمک نمایند. امید است که این کار خیر زودتر انجام گیرد، و مبلغی دوا و لوازم طبابت و عده‌ای اطباء و پرستار به میدان جنگ ایران برسند.



نشریهٔ کاوه ۳۰ شهریور ۱۳۹۳



مؤتمن الملک و سید حسن مدرس



پزشکان شیر و خورشید سرخ ایران در سال ۱۲۹۹

فصلنامه علمی - پژوهشی امداد و نجات، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۹۳

امیراعلم برای تشکیل اساسی جمعیت شیر و خورشید سرخ صورت گرفت. دکتر امیر اعلم این پزشک نیکونهاد و مردم دوست سال‌های زیادی تلاش کرد تا با نیت گسترش خدمات درمانی و همگانی رایگان بتواند همانند صیلب سرخ‌های آن روزگار در شهرهای مختلف ایران، بیمارستان و درمانگاه ایجاد کند و چون بودجه‌ای برای این کار پیش‌بینی نشده بود، بدون پشتیبانی شاه و وزیران این امکان وجود نداشت. در واقع می‌توان گفت مسائلی از قبیل مشکلات سیاسی آن دوران همچون سرخ بودن عنوان شیر و خورشید و آشنا نبودن شاه و اطرافیانش با پیشرفت‌های روز از دلایلی بود که در آن روزگار تأسیس جمعیت به تعویق می‌افتاد. سرانجام، دکتر امیرخان به دربار می‌رود و نیت خویش را با بیانی مؤثر به احمد شاه بیان می‌کند که

امیراعلم درباره فعالیت‌های شیر و خورشید در این ایام می‌نویسد: «در موقع مهاجرت نیز بنا به پیشنهاد بنده، مسئله شیر و خورشید سرخ مطرح شد و هیأتی بدان اسم تشکیل یافت که گویا بی‌فایده هم نبوده است». روزنامه رعد در اواسط زمستان ۱۲۹۴ اعلام می‌کند که در جنگ رباط کریم و رویارویی میلیون‌ها ایرانی و سربازهای روس، مقتولان و مجروحان (بسیاری) برجای مانده بود که دکتر امیرخان و دکتر ابوالقاسم خان آنان را جمع‌آوری و با درشکه به مریض‌خانه احمدیه آوردند». به هر تقدیر از فعالیت‌های این سازمان در کرمانشاه تأسیس یک بیمارستان در محل کنسولگری انگلیس بود که در آن شرایط علاوه بر درمان مجروحان و آسیب‌دیدگان جنگی به مداوای بیماران محلی نیز می‌پرداخت. بعد از کودتای اسفند ۱۲۹۹، مجدداً تلاش‌هایی توسط

شاه موافقت می‌کند ولی بیان می‌دارد که خود و دربارانش هیچ دخالتی نمی‌کنند و آن باید توسط مردم خیراندیش ایجاد شود، ولی در ادامه دکتر امیر خان بیان می‌دارد که این امر بدون حمایت شاه ممکن نیست و در دیگر دول نیز این مؤسسات تحت حمایت دولت هستند. وی چنان شیوا سخن می‌گوید که احمدشاه با پیشنهاد تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ موافقت می‌کند. در این ایام سفارت ایران در سوییس از طریق وزارت امور خارجه ایران طی نامه‌ای به مجلس حفظ الصحة دولتی را به تسریع در اقدام تشکیل جمعیت شیر و خورشید سرخ ترغیب کرد و مجلس حفظ الصحة نیز در پاسخ به وزارت امور خارجه اطمینان داده بود که مقدمات تشکیل و نظامنامه اساسی آن را نیز تهیه

خواهد کرد. دکتر امیراعلم مقرراتی را که صلیب سرخ جهانی برای جمعیت‌های کشورها وضع کرده بود را ترجمه کرد و در اختیار احمدشاه قاجار قرار داد تا وی پس از مطالعه آن، مقدمات تشکیل جمعیت را فراهم کند. براساس این متن ترجمه شده، اساسنامه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تهیه گردید و در همین سال به امضای ولیعهد، محمدحسن میرزا رسید. براساس مقدمه اساسنامه، ریاست افتخاری جمعیت با ولیعهد بود. در ۱۸ بهمن ۱۳۰۱ جمعیت شیر و خورشید سرخ تحت ریاست افتخاری محمد حسین میرزا ولیعهد تشکیل شد و در اسفند ۱۳۰۱ نظامنامه اساسی جمعیت منتشر گردید، وی در امضای این اساسنامه چنین می‌نویسد:

تعاونوا علی البر

بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه اساسی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

نظامنامه تشکیلات جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران را ملاحظه کردم، ریاست افتخاری این جمعیت نوع پرور را با کمال مسرت می‌پذیرم و امیدوارم در زیر سایه و با توجهات بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه جمعیت خیریه مذکور موفقیت کامل در خدمت به نوع حاصل نمایند.

۷ جمادی الثانی ۱۳۴۱ امضا ولیعهد



تصویر جلد اساسنامه جمعیت ۱۳۰۱

نظامنامه شامل ده فصل و شصت ماده درباره تشکیلات و نوع فعالیت‌ها می‌شد:

فصل اول، مهم‌ترین مواردی بود که درباره اهداف جمعیت مطرح شده بود. در ماده چهارم آن آمده بود که «جمعیت شیر و خورشید سرخ برای حمل و نقل و معالجه مجروحان میدان‌های جنگ در حدود امکان مریض‌خانه‌های ثابت و سیار و هیأت تعاونی و وسایل حمل و نقل صحی تهیه خواهد کرد».

در ماده ۵ این نظام‌نامه به اهداف امداد رسانی اشاره می‌کند: «جمعیت شیر و خورشید سرخ در غیر مواقع جنگ، هنگام وقوع مصائب بزرگ از قبیل حریق و غارت‌زدگی و امراض مسری عمومی معاونت خود را تا میزانی که مخارج لازم از حدود عایدات یک

احساس شد. به مدت بیش از سه ماه پس‌لرزه‌ها ادامه داشت و به شدت در تربت حیدریه حس می‌شد که آسیب‌های بیشتری رساند، اما تلفاتی به بار نیاورد. این پس‌لرزه‌ها با لرزه‌ای در عباس‌آباد که در آن چند خانه فرو ریخت و یک تن کشته شد به پایان رسید. برخی منابع نگاشته‌اند ۲۵ مارس ۱۹۲۳ در شهر تربت حیدریه زلزله‌ای با قدرت ۵/۸ ریشتر ۲۲۰۰ قربانی گرفت.



آخوند ملا عباس تربتی

وقوع زلزله در هنگام سحر باعث شد که مردم ناله‌کنان به کوچه، خیابان و بیابان وارد شوند، این در حالی بود که باران نیز به شدت می‌بارید.

از چهره‌های شاخص در کمک‌رسانی در این زلزله می‌توان از ملاعباس تربتی، عارف نامی آن دوران آن برد. ملاعباس مردم را به خواندن نماز آیات و سپس نماز صبح فراخواند و با برپایی مراسم نماز و دعا به

برای ایتام، جمعیت شیر و خورشید سرخ در ایجاد دارالضایع برای ایتام و ارامل و عجزه کوشش خواهد کرد.

هرچند باز هم بنا به نوشته دکتر امیراعلم تا ۱۳۰۲ هیچ‌گونه اقدامی برای سازمان‌دهی این تشکیلات انجام نشد. در این سال‌ها، نخستین حرکت امدادی جمعیت که به همت دکتر امیراعلم صورت گرفت، کمک به زلزله‌زدگان تربت حیدریه، آن هم در زمانی بود که هنوز هیچ‌گونه امکاناتی در اختیار جمعیت نبود. ایشان شخصاً به اهالی آسیب‌دیده آن سامان مساعدت قابل‌توجهی کرد.

به دنبال یک پیش‌لرزه محلی اما آسیب‌رسان در عباس‌آباد، زمین‌لرزه‌ای در سپیده دم ۵ خرداد ۱۳۰۲ پنج روستا را در ناحیه پرجمعیت کاج درخت، کاملاً ویران کرد و به بیست روستای دیگر در این ناحیه به سختی آسیب رساند که حدود ۷۷۰ تن جان خود را از دست دادند. زمین‌لرزه برخی تغییرات موقت را در جریان آب زیرزمینی در مجراهای تأمین‌کننده آب روستاها پدید آورد که شماری از آنها پس از زمین‌لرزه متروک رها شدند. دامنه آسیب‌ها عمدتاً به سوی شرق ناحیه کلان لرزه‌ای گسترش داشت که در آن نود تن دیگر کشته شدند که چهل تن از آنان در منطقه تربت حیدریه جان خود را از دست دادند. در خود تربت، یک پنجم خانه‌های محلی آسیب‌اندکی دیدند و چند خانه نیز فرو ریخت و هفت یا هشت تن را کشت. به رغم نزدیکی به منطقه گسل درونه، هیچ‌گونه گواهی بر دگرریختی‌های زمین با خاستگاه زمین‌ساختی در دست نیست. زمین‌لرزه در رباط سفید و تربت‌جام حس شد و در مشهد

(د) غسل دادن اموات: به تعدادی از غسل‌ها هم چگونگی غسل و احکام واجب و مستحبی آن را آموخت.

در روستاهای زلزله‌زده حدود بیست جایگاه غسل (غسلخانه) ساخته شده بود که آخوند تربتی به همه این اماکن رفت و آمد می‌کرد و به غسل‌ها هم سفارش می‌کرد که هر یک از اموات را براساس شرایطشان غسل (کامل، جبیره‌ای، تیمم) بدهند و در پایان نیز بر همه جنازه‌ها شخصاً نماز خواند.

از دیگر اقدامات بسیار مؤثر وی این بود که به بازماندگان هر یک از قربانیان دل‌داری می‌داد و پس از تعزیت و نصیحت، احکام ارث را برایشان بازگو می‌کرد. سوگواران نیز با مشاهده زحمات مخلصانه آخوند تربتی در وجود خود آرامشی احساس کرده و از شدت اندوهشان کاسته می‌شد. یکی از افراد، مشاهدات خود را این گونه بازگو کرده است: «حاج آخوند در آن سه شبانه روز نه غذا خورد و نه خوابید. همه آن فضا از عفونت (اجساد) چنان بود که کسی تاب نمی‌آورد. به همین جهت، مردم دسته دسته می‌آمدند و می‌رفتند. اما او تمام این مدت همه کارها (از جمله بیرون آوردن جنازه‌ها، انجام غسل، تکفین، اقامه نماز، تدفین و...) را به خوبی سامان داد».

با رسیدن خبر زلزله و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ملا عباس تربتی به تهران، رئیس‌الوزرای وقت با ارسال تلگرافی از زحمات وی تشکر به عمل آورد، اما آخوند می‌گفت که این وظیفه دینی ما و واجب کفایی بود و اگر انجام نمی‌دادیم همه گناهکار بودیم.

قلب‌ها آرامشی بخشید تا اینکه پس از طلوع آفتاب از گوشه و کنار خبرهای تأسف‌باری به گوش رسید. ملاعباس پس از اطلاع از تخریب چند روستا پیاده به راه افتاد و در خیابان‌های شهر به عده‌ای از تجار و کسبه گفت که چلووار، متقال و کرباس هر چه دارید با سدر و کافور برای مردگان، و خوراک و پوشاک برای زنده‌ها زود بفرستید. وی سپس به چند روستای شمالی شهر که سالم مانده بودند پیغام داد که هر اندازه ممکن است مردان با بیل و کلنگ و آذوقه زود خود را برسانند.

آخوند تربتی حدود ظهر به روستاهای زلزله‌زده می‌رسد کم‌کم مردم نیز از شهر و روستاها رسیدند. در آن زمان هوا بوی (نامطبوع) گرفته و منظره روستاها دلخراش و وحشتناک بود. روحانی سخت‌کوش و مهربان تربت تا سه شبانه‌روز همراه زلزله‌زدگان ماند. وی بر حسب توانایی و حرفه افراد، از همان ساعت نخست ورود نیروهای مردمی آنان را به چهار دسته برای انجام کارهای مختلف تقسیم کرد:

(الف) بیرون آوردن اجساد: عده‌ای را مأمور درآوردن اجساد از زیر آوار کرد و به آنان سفارش کرد که خاک و خشت‌ها را به گونه‌ای کنار بزنند که اگر کسی هنوز زنده است بیشتر صدمه نبیند و پیکر مرده‌ها نیز بیشتر مجروح نشود.

(ب) حفر کردن قبور: به افراد گورکن هم آداب و احکام آن را یاد داد.

(ج) تهیه کفن: برخی را نیز در نحوه بُریدن پارچه‌ها و تهیه کفن آموزش داد.

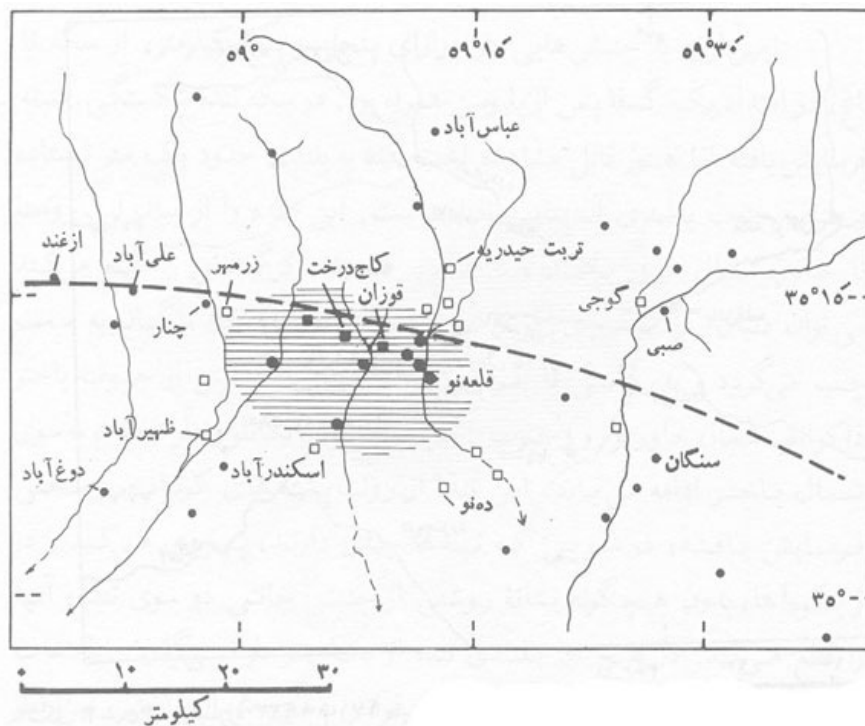
شد تا تقسیم شود. اما گمانم، آن پول را به مصرف
مریضخانه‌ای رساندند».

بعد از این حادثه بود که نخستین نشست رسمی
هیأت مرکزی جمعیت در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۰۲ به
درخواست امیراعلم و در حضور هیأت وزرا و
نایب‌السلطنه در کاخ گلستان تشکیل گردید. اعضای
این کمیته در نشست عمومی جمعیت و از میان
بنیانگذاران و یاری‌رسانندگان به جمعیت انتخاب
شدند. در آن زمان کابینه دولت را مشیرالدوله در
دست داشت و رضاخان وزیر جنگ وقت بود.
علاوه بر اعضای کابینه، ۶ نفر از شاهزاده‌های وقت
و تمام رئیس‌الوزراهای سابق، به عنوان هیأت
افتخاری جمعیت در جلسه حضور داشتند. در
نهایت، اعضای مؤسس جمعیت شیر و خورشید
سرخ به این شرح تعیین شدند.

دکتر امیر اعلم و هیئت همراهش پس از آمدن به
تربت و مشاهده روستاهای زلزله زده و جویا شدن
از اقدامات چشمگیر و مؤثر آخوند، به منزل وی
می‌روند. امیر اعلم خطاب به ملا عباس می‌گوید:
«شما یک نفر، به اندازه یک اداره بیشتر کار کردید».
شایان توجه است که در همان سال (۱۳۰۲ ش)
آمریکایی‌ها مبلغ هنگفتی برای زلزله‌زدگان
می‌فرستند مشروط به اینکه با دست حاج آخوند در
بین مردم تقسیم شود. آقای راشد در این زمینه
می‌نویسد «پدرم قبول نکرد و مردم اصرار کردند و
گفتند که اگر قبول نکنید پول را بر می‌گردانند. وی
گفت: می‌خواهند برگردانند یا برنگردانند من قبول
نمی‌کنم. بالاخره چون پدرم قبول نکرد، کمیسیون
از چند نفر تشکیل دادند و پول به آن کمیسیون داده

اعضای مؤسس جمعیت شیر و خورشید سرخ

مدیرالملک	رضاخان میر پنج
اعلم‌الدوله	صمد خان ممتاز السلطنه
دبیرالدوله	نصیر الدوله
فرزین	صاحب اختیار
میرزا مجید خان آهی	فیروز میرزا نصرت الدوله
علی محمد اویسی	احمد خان قوام الدوله
چراغعلی خان سردار اکرم	سلیمان میرزا اسکندری
حکیم اعظم	لقمان الدوله
لقمان الملک	حشمت السلطنه
عباس قریب خان مترجم الملک	مقبل الدوله
حاج میرزا یحیی دولت آبادی	عباس ادهم الملک
سیف الاطبا	امین الملک
امیر خان اعلم	حاج نصیر السلطنه



طی اولین کنگره شیر و خورشید سرخ، ۲۶ نفر از مؤسسان حاضر در جلسه با اکثریت آرا، هفت نفر را به نام هیأت عامله جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران انتخاب کردند.

سردار سپه (رضاشاه) که در آن تاریخ ریاست وزرا را دارا بود، ریاست هیأت مدیره را به علت نفوذ بیشتر در رقابت با امیر اعلم از آن خود کرد. امیر اعلم نایب رییس اول شد، دکتر لقمان الملک نایب رییس دوم، میرزا مجید خان آهی منشی، مترجم الممالک (عباسقلی خان قریب) منشی، علی محمد خان اویسی محاسب (بازرس) و مدیر الممالک (وزیر مالیه وقت) صندوق دار (خزانهدار) اولین هیأت عامله شیر و خورشید تعیین گردیدند. در این روز احمد شاه پیامی نفرستاد و شاه به بهانه بیماری

و ولیعهد محمد حسن میرزا نیز به بهانه نداشتن پول برای اعانه شرکت نکردند، اما ریاست افتخاری همچنان بر عهده محمد حسن میرزا ولیعهد بود. در این جلسه مقرر شد تا برای پیشبرد امور جمعیت یک یا دو جلسه در هفته برگزار شود. پس از برگزاری مراسم انتخابات و معرفی اعضای هیأت مدیره، همان شب خبر تشکیل جمعیت شیر و خورشید سرخ و جریان اولین جلسه و چگونگی انتخاب برای اتحادیه صلیب سرخ‌ها در ژنو مخابره شد و از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هم طی بخشنامه شماره ۲۴۱ مورخ سی‌ام ماه می سال ۱۹۲۴ میلادی تأسیس جمعیت شیر و خورشید به اطلاع تمامی جمعیت‌های عضو در سطح جهان رسید.

خورشید سرخ هنگام جنگ با صهیئ قشون به طور رسمی همکاری کند و سمت معاونت صهیئ قشون را داشته باشد.

در مورد بند دوم تصویب کنوانسیون ۱۹۰۶ در مجلس شورای ملی، متن کنوانسیون ترجمه و به وزارت امور خارجه فرستاده شد تا برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود. بدین گونه بزرگترین نهاد امدادی کشور نه فقط در ایران، بلکه در سراسر جهان رسمیت یافت و سرانجام با تلاش های پیگیر نمایندگان ایران در ۱۹۰۷ علامت شیر و خورشید سرخ در مجامع بین المللی رسمیت یافت.

کمیته بین المللی صلیب سرخ در پاسخ به اعلام جمعیت شیر و خورشید سرخ خاطر نشان کرده بود که برای به رسمیت شناختن شیر و خورشید سرخ ایران موافق مقررات بین المللی لازم است:

-اولاً: دولت ایران تصدیق نماید که مؤسسه شیر و خورشید سرخ هنگام جنگ سمت رسمی معاونت صهیئ قشون را خواهد داشت.

- ثانیاً: قرارداد زنو ششم ژوئیه ۱۹۰۶ که نماینده ایران آن را امضا کرده است به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

در مورد بند اول، پیشنهاد یک ماده ای به هیأت دولت تقدیم شد و به موجب تصویب نامه شماره ۱۳۴۶۶ مورخ اول برج جدی ۱۳۰۲ قرار شد شیر و

References

1. Ezam Ghodsi H, My memories or clarification of hundred-year history. Tehran. Publication: Aboureiyhan. First printing, 1971
2. Sepher A, [Movarekh o dowleh]. Iran in Great War 1914 - 1917. Tehran: Publication: Bank Melli Iran. First Printing, 1948
3. Malekzadeh E, the history of Lion and Red Sun, Iran Helal institute Research Projects, 2006

4. Shamspour N, A century of rescue & relief in Iran. Approved by Institute of Applied Science & Technology (unpublished), 2014
5. 6. Eighty years of humanitarian service. Introduction to Public Relations Society of Red Crescent. 2004